

# جنجال پیج زوج دهه نودی

طی روزهای اخیر یک پیج تحت عنوان «زوج دهه نودی» در سه روز اول فعالیتش بیش از ۳۰۰ هزار فالوئر جذب کرده است پیجی که مروج کودک همسری است و از قرار معلوم با هدف جلب کنجکاوی جامعه به دنبال جذب فالوئر و درآمد است

صابر | روزنامه نگار

پرونده

یک جوان بیست و چند ساله و یک دختر نوجوان که مدعی است ۱۱ ساله است بدون این که شهر سکونت شان مشخص باشد یا جزئیاتی از نام و نشان شان بدانیم یک پیج راه انداخته اند که ظرف ۳ روز تا لحظه نگارش این مطلب حدود ۳۰۶ هزار فالوئر جذب کرده است. بله ۳۰۶ هزار نفر! محتوای پیج شان هم در ظاهر چند کلیپ ساده از پیاده روی، خرید و ابراز علاقه شان به یکدیگر است. محتوایی که شاید در فرم حرفه ای نباشد اما نباید از کنار پیامدهایش بهر احتی گذشت. در بیوی پیج هم عنوان «زوج دهه نودی» نوشته شده؛ عنوانی که مشخصا پسر اصلا نزدیک آن هم نیست و حتی در یکی از کلیپ ها هم سنش ۲۶ سال عنوان می شود. دختر خانم هم تا حد کمی با آن فاصله دارد؛ یعنی بر حسب ظاهر ۱۳ یا ۱۴ ساله است و به نظر برای جلب توجه بیشتر سنش کمتر عنوان شده است. در هر حال فرقی نمی کند که آیا واقعا این دختر خانم ۱۱ ساله است یا نه؟ نفس قبح شکنی از پدیده تلخ «کودک همسری» و ترویج آن به واسطه پیامدهایی که برای جامعه دارد چنان زشت است که فرقی نمی کند سن واقعی دو نفری که در کلیپ ها می بینیم چقدر است. اصلا بیا بید فرض کنیم این پیج با هدف جذب فالوئر، بلاگر شدن و کسب درآمد راه افتاده باشد که بنا به تبلیغات موجود در استوری ها هم این تصور قوت می گیرد اما حتی اگر همه چیز نمایشی برای پول باشد هم آیا فرقی در پیامش ایجاد می شود؟ به فرض خود این دختر قربانی کودک همسری در ۱۱ سالگی نباشد؛ عادی تلقی کردن این موضوع می تواند عواقب بدی برای جامعه داشته باشد که در این مطلب از جنبه های مختلف به آن پرداختیم. اما در این بین با یک موضوع مهم دیگر مواجه هستیم؛ این که ما به عنوان کسانی که به نوعی شهروند سرزمینی بزرگ به نام فضای مجازی هستیم که می تواند بر زندگی واقعی مان سایه بیندازد؛ چه وظیفه ای در قبال چنین محتواهایی داریم؟ آیا مانعش نرسیده دقت بیشتری در فالو و لایک مان داشته باشیم؛ آن هم وقتی می دانیم دیده شدن چنین پدیده هایی ممکن است زمینه فراگیری شان را فراهم کند. در این پرونده از جنبه های مختلف همکلام با دو کارشناس این موضوع را بررسی می کنیم.

## ترویج این ازدواج ها یک آسیب اجتماعی خطرناک است

دکتر «حامد بخشی» جامعه شناس در گفت و گویا ما از منظر جامعه شناختی به تاثیرات این ازدواج ها می پردازد

مجید حسین زاده | روزنامه نگار



این جامعه شناس درباره پربازدید شدن تصاویر عروس شدن دختر ۱۱ ساله می گوید: «بسیاری از افراد به خصوص در شبکه های اجتماعی بعد از دیدن تصاویر و ویدئوهای این دختر، به موضوع کودک همسری اشاره کرده اند. باید توجه داشته باشیم کودک همسری ناظر به فردی است که هنوز تمایلات یا در واقع ویژگی های جنسی اش رشد نکرده و بروز نیافته است. چنین فردی از ماجرای روابط زناشویی چیزی نمی داند و احساس یا ادراکی درباره آن ندارد و به واسطه صلاح دید بزرگ ترها در حالی که آمادگی ورود به یک رابطه زناشویی ندارد، به داخل آن پرت می شود، بنابراین وقتی ما درباره کودک همسری صحبت می کنیم، منظور مان چنین شرایطی است که باید در باره آسیب های آن صحبت کنیم. اما ما امروزه در جامعه مواجه هستیم با بلوغ نسبتا زودرس در بین نوجوانان که این مسئله با کودک همسری متفاوت است».



بازنانی است که حرف شنوی بیشتری داشته باشند و به خاطر سن پایین رفتارهای نادرست و خشونت های خانگی را راحت تر پذیرفته و به آن عادت می کنند. این امر نه تنها به خود قربانی آسیب می رسد، بلکه روی فرزندان هم آثار مخربی دارد. از این گذشته، کودک همسری می تواند به افزایش جمعیت در مناطق فقیرنشین منجر شود. همچنین قربانیان معمولاً به دلیل عدم برخورداری از مهارت فرزندپروری و ابتلا به اختلالات روحی، فرزندان را تحویل جامعه می دهند که از مشکلات روحی و روانی متعددی رنج می برند یا تمایل به بهرکاری دارند. تبعات اجتماعی ازدواج کودک آن به همین جا ختم نمی شود؛ زود زنی که نزدیکی آن ها قربانی این فرهنگ و سنت نادرست شده، ممکن است به فرار از منزل، اعتیاد، خودکشی، خودسوزی و حتی قتل همسر روی بیاورد که هر از چندگاهی اخبار آن در صدر رسانه ها قرار می گیرد».

این ازدواج ها برای جامعه آسیب زاست

این دکتر جامعه شناس در پایان و درباره وایرال شدن ماجرای ازدواج یک دختر ۱۱ ساله در فضای مجازی می گوید: «ترویج این نوع ازدواج ها یک آسیب اجتماعی به شمار می آید و از جنس ازدواج هایی است که نرخ طلاق را زیاد خواهد کرد و آسیب های اجتماعی دیگری هم برای خود فرد و جامعه در پی خواهد داشت. دختران و پسرانی که در این سن ازدواج می کنند، خیلی زود درگیر مسئولیت هایی می شوند که آمادگی پذیرش و انجام آن را ندارند. دخترانی که در سن پایین طلاق می گیرند و تجربه زندگی مشترک داشتند، در معرض روابط نامشروع و نامطلوب خواهند بود که خودش یک آسیب اجتماعی محسوب می شود».



حتما همراه باشید  
عروسی به دختر یازده ساله  
رو ببین

ZENDEGI-SALAM

ضمیمه روزنامه خراسان

دوشنبه ۱۲ آذر ۱۴۰۳  
۳۰ جمادی الاول ۱۴۴۶ • ۵ دسامبر ۲۰۲۴  
شماره ۲۱۶۴۸

۲۸۶۸



پیام

زوج دهه نودی

دنبال کردن



## از ناتمام ماندن کودکی تا ترک تحصیل، خشم و دیگران

اگر دختر یا پسر به سن مناسب برای پذیرفتن مسئولیت های زندگی مشترک نرسیده باشند و از دواج کنند پیامدهای روانی زیادی در انتظارشان خواهد بود



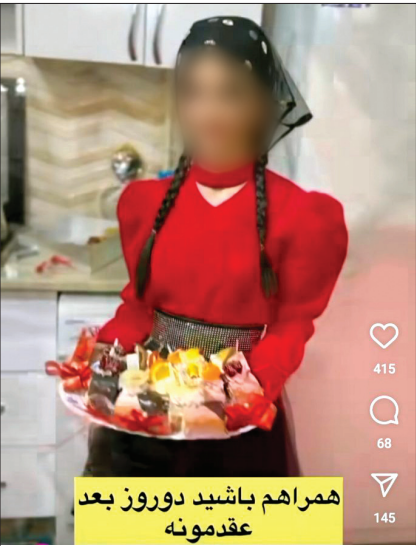
زهره فولادی | روان شناس

از دواج زودهنگام برای دختران بیشتر است و در روند این ازدواج ها معمولاً دختر کم سن و سال یا پسر و مرد بزرگ سال ازدواج می کند. افزایش مشکلات اقتصادی و فقر، باقی ماندن باورهای غلط از نسل های پیش، دوستی هایی که در سنین پایین رخ می دهد و... از دلایل اصلی این اتفاق هستند. از دواج در سنین پایین، مشکلات بسیاری را برای کودک و جامعه ایجاد خواهد کرد و با افزایش آسیب های جسمی و روانی همراه خواهد بود. در ادامه به تعدادی از این پیامدها اشاره خواهیم کرد.

### متناسب نبودن مسئولیت ها با سن

آسیب های وارد شده بر کودک در اتفاق تلخ کودک همسری می تواند آینده او را کاملاً تحت شعاع قرار دهد و دنیای کودکانه او را به تلخی های واقعیت هایی که متناسب با سن کودک نیستند، پیوند بزند. از مهم ترین دلایل نامطمئن بودن و آسیب پذیری در این نوع ازدواج ها، نرسیدن افراد به بلوغ شناختی، عاطفی و جنسی است و این باعث می شود فرد از روی هیجانات یا احساسات چشم بر روی عواقب آسیبزا ببندد. در واقع فرد با توجه به هیجانی بودن در این دوره، رشد از بخش استدلال و تفکر منطقی محروم است و با افکار پچگانه و کودکانه خود در دام این ازدواج می افتد. همچنین وقتی مغز در سنین نوجوانی به واسطه ناتوانی در انجام مسئولیت ها با فشار زیادی روبرو می شود، نمی تواند تکانها را کنترل کند و واکنش های غریزی پیدای کند و عمل بدون فکر انجام می دهد.

ناتمام ماندن دوران کودکی و نوجوانی



همراه باشید دوروز بعد  
عقد نمونه

جدا شدن از دنیای کودکی و به طور ناگهانی ورود به دنیای بزرگ سالی و زناشویی یکی از آسیب هایی است که گریبان گیر کودک همسران می شود. طبق نظریه های روانی اجتماعی رشد انسان دارای مراحل است و اگر این مراحل به خوبی پشت سر گذاشته نشود، شخص احساس تسلط می کند و اگر بر خلاف آن صورت گیرد، حس بی کفایتی و ضعف در فرد غالب می شود، بنابراین کودکی که در این سن ازدواج می کند هنوز هویت و شخصیت متناسب با خود را پیدا نکرده و به نوعی سرگردان است. همین علل سبب می شود فرد بدون کشف هویت و استقلال خویش وارد مرحله بعدی یعنی بزرگ سالی شود و عدم شناخت هویت منجر به عدم اطمینان نسبت

ویک بخشی از هویت آنان شکل نگرفته و قدرت تصمیم و انتخاب ندارند؛ چنین افرادی وقتی وارد زندگی مشترک می شوند نیز از این بی هویتی رنج می برند و قطعاً نمی توانند برای فرزندان هویت ساز و هویت بخش باشند.

تربیت یک نسل ناایمن

فرزندپروری ناخواسته و بدون برنامه ریزی از دیگر پیامدهای ازدواج کودکان است. آگاهی نداشتن از مسائل زناشویی منجر به بارداری ناخواسته کودک همسران می شود که در تجارب اولیه منجر به سقط می شود و پس از آن بارداری های مجدد همراه است. نبود آگاهی برای مادر شدن و فرزندپروری در طول تربیت فرزند تاثیر خود را باقی می گذارد و موجب نبود ارتباط مناسب بین مادر و فرزند می شود. به طور کلی اگر رابطه دوطرفه در ازدواج، سالم نباشد، پدر و مادر خوبی برای فرزندان هم نخواهیم بود و احتمال مشاجره و درگیری و سبک های ناسالم و ناایمن و سرگردمی و... در زندگی مشترک وجود دارد و برخورد با فرزندان هم ناایمن خواهد بود و لذا شاهد تاثیر پذیری نسل بعد از یک ازدواج نامناسب هستیم.

### در معرض خشونت خانگی بودن

دخترانی که زودتر از سن قانونی ازدواج می کنند، بیشتر در معرض خشونت خانگی و سوء استفاده هستند که این خشونت تا بزرگ سالی ادامه می یابد. در ازدواج زودهنگام تنظیم رفتار زناشویی که یکی از مهم ترین کارکردهای خانواده تلقی می شود، به عهده مرد قرار می گیرد و نوعی نابرابری در این میان به وجود می آید. به این ترتیب رابطه زناشویی بدون رضایت، از جنبه روانی نیز زن را تحت شعاع قرار می دهد. از دیگر آسیب های ازدواج زودهنگام، بروز بیماری های روانی و روحی است که تمایل به خودکشی را در فرد افزایش می دهد و معمولاً پاسخی در مقابل خشونت همسر است. فرار از منزل به عنوان پیامدی دیگر از ازدواج کودکان شناخته شده است. یکی دیگر از تاثیرات مخرب از ازدواج کودک در عین حال کم هویت انسان در پایان نوجوانی و بعد از رسیدن به بلوغ های چهارگانه شکل می گیرد اما وقتی ازدواج در سنین پایین و نوجوانی انجام می شود، این هویت شکل نمی گیرد. امروز شاهد جوانانی هستیم که فارغ التحصیل دانشگاهی هستند، اما رشته تحصیلی خود را دوست ندارند، زیرا هنوز نوجوانی را تمام نکرده اند

